

Beliefs

When I was 15, I started my work with weaving. At 22, I established my first atelier and since then I have been dealing with wool, thread and textile. On my 50th birthday, I decided to paint besides my professional work; therefore I started painting with Mr. Javadipour. After a short while, I quit painting due to some reasons... One night I remembered my grandma who always had a piece of metal with a strange pattern imprinted on it, which she used to keep on the corner of her shelf. Once I asked her "What is this metal thing with that pattern?" She said: "It is the spell of passion and love. Whenever my man comes (meaning my grandpa), I put this in water and then give the water to him to drink". The interesting thing was that whenever my grandpa drank the water, he stayed for a few days and then left and disappeared for months! This pattern became the subject of my paintings. Later on I found other patterns as well and started painting again.

The patterns were amazing to me. For a long time, I was obsessed with the thought of the amount of effort boys and girls put into holding onto each other, and wives into keeping their husbands.

I started my work using brushes but then realized that I could not find the feeling I was looking for in them, therefore I switched to pallet knife. When I put the pieces of colors together, I had the feeling of a passionate connection and unconsciously repeated the words of the spell on behalf of those who believed it.

I had a solo exhibition in Golestan Gallery titled "The Spells" in May 2009 and a group exhibition in Day Gallery the November of the same year. This year, I have portrayed those ancient beliefs and will present them in Etemad gallery, in November 2014.

Parvin Amirgholi
Born in 1948

باورها

وقتی پانزده ساله بودم کارم را با بافت شروع کردم. وقتی بیست و دو ساله شدم اولین آتلیه‌ام را راه انداختم و تقریباً با پشم و نخ و پارچه و طراحی سر و کار داشتم و دارم. هم‌زمان با سالگرد پنجاه سالگی‌ام تصمیم گرفتم در کنار کار حرفه‌ای‌ام کاری غیرحرفه‌ای انجام دهم به همین دلیل نقاشی را با آقای جوادی پور شروع کردم بعد از مدت کوتاهی به دلیل نداشتن موضوع دلخواه، نقاشی را کنار گذاشتم. شبی یاد مادربزرگم افتادم که همیشه گوشه‌ی طاقچه‌اش یک نقش عجیب روی فلز بود. یک بار از او پرسیدم این فلز با این نقش چیست؟ گفت: «جادوی مهر و محبت، وقتی آقا می‌آید (منظور پدر بزرگم است) من این را در آب می‌گذارم و بعد آب را به آقا می‌دهم. جالب بود وقتی آقا آب را می‌خورد چند روزی بود و بعد می‌رفتند و تا چند ماه پیدایشان نبود.» این نقش موضوع نقاشی من شد. نقش‌های دیگر را یافتیم و شروع کردم به نقاشی. نقش‌ها برایم شگفت‌انگیز بود. مدت‌ها هم گرفتار این باورها بودم که دختران و پسران جوان چه زحماتی بابت وصل و زن‌ها بابت نگهداری شوهران می‌کشند. شروع کارم با قلم‌مو بود ولی حس می‌کردم که به دنبالش بودم پیدا نکردم. به همین دلیل کار با کاردک را شروع کردم. وقتی تکه‌های رنگ را کنار هم می‌گذاشتم احساس وصل شدن را داشتم و بدون اختیار ذکر برای باورهایشان می‌گفتم. اردیبهشت ۸۸ با موضوع طلسم‌ها در گالری گلستان نمایش انفرادی داشتم و در همان سال ۸۸ در آبان ماه در نگارخانه دی نمایش گروهی و امسال در آبان ۹۳، آن باورهای قدیمی را به تصویر کشیدم و در گالری اعتماد به نمایش گذاشتم.

پروین امیرقلی
متولد ۱۳۲۷